

مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس: درباره لزوم تجدید ادیان و نیاز به تعالیم جدید

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس:
درباره لزوم تجدید ادیان و نیاز به تعالیم جدید^۱

(خطابات جلد اول، ص. ۵۲۰-۵۵)

هُوَالله

^۱ نطق مبارک در روز یکشنبه ۲۲ یا ۲۳ شوال سنه ۱۳۲۹ در منزل مبارک در پاریس مطابق ۱۵

اکتبر سنه ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

چون بدیده حقیقت نظر شود، روحانیات مطابق جسمانیات است. همین طور که در عالم جسمانی ملاحظه میکنند، فصل بهاری موسم تابستانی اوقات خزان ایام زمستانی است، همین قسم در عالم روحانی فصولی است.

ایام حضرت موسی مثل بهار بود، چون بنی اسرائیل اسیر خزان شدند و در نهایت ذلت و هوان و در ظلمت جهل سرگردان، ید بیضای موسوی آنان را احساسات روحانی داد و تربیت آسمانی کرد و فیض ابر نیسانی مبذول داشت. پس از بهار روحانی موسم تغییر کرد زمستان شد آن رونق بهاری زائل گشت بحالت اصلی برگشتند منجمد شدند ظلمت فرا گرفت. حضرت مسیح بهار روحانی بود، خیمه در قطب آفاق زد. آن احساسات روحانی را اعظم از قبل ظاهر فرمود، جهان رونق بدیع یافت عالم انسانی باهتر از آمد. بعد باز موسم خزان شد، رؤساء با امرا متفق شدند. بکلی اساس حضرت مسیح تغییر یافت اسیر تقلید گردیدند، ملت مسیح اسیر شدند و رؤساء و امرا مانند علت کابوس مسلط شدند. تعالیم الهی بکلی از دست رفت و تقلیدی رواج یافت مثل آنکه هر گاهی بنفس پاک رؤساء مغفور می شد و هر ظلم و اعتسافی باقرار و اعترافی معفو میگشت. عالم در این تاریکی بود و غرب در نهایت توحش و ازترقیات مادیه و ادبیه بکلی محروم. بغتة نور محمدی درخشید و اساس عدل الهی تأسیس کرد، بادیه عرب روشن گردید، شریعت الله در بیابان علم بر افراخت و اقوام متوحشه تربیت شد و ترقیات در شریعت الله حاصل گشت. بعد از مدتی باز تغییر کرد تا آنکه از انوار دین مبین اثری نماند جهل و نادانی مستولی شد. زیرا تغییر و تبدیل از لوازم ذاتیه امکان است ممکن نیست تغییر پیدا نشود لابد بعد از هر معموری مطموری است و بعد از هر آفتابی شب یلدائی. چون ظلمات آفاق را احاطه کرد و اساس دین الهی بکلی بر افتاد، ابدأ احساسات روحانی نماند. ادیان عبارت از الفاظ بود، از سوء استعمال، سبب کلفت گشت سبب اتحاد و اتفاق بود بهانه نفاق شد لهذا خداوند مهربان محض رحمت کبری باز کوکبی ساطع فرمود. از شرق، ایران صبح هدایت کبری حضرت باب ظاهر شد. پس شمع نورانی حضرت بهاءالله درخشید و تعالیم بهاء الله ترویج گشت.

دین الهی نورانیت است حسن اخلاق است، روح عالم است. اساس دین الهی آن نطقی است که من در لندن بیان کردم؛ آن را بخوانید تا معلوم شود. اهل عالم ابدأ به اساس امرالله عالم نیستند این است که جمعی از اهل معارف و علوم از دین بری شدند. حضرت بهاءالله می فرماید اگر دین سبب اتحاد نشود، عدمش بهتر از وجود است، دین باید سبب محبت شود. دوا بجهت شفاست، اگر دوائی سبب مرض گردد، نخوردن آن دواء بهتر است. از جمله اساس دین الله فقرات یازده گانه است که در وقت وداع در لندن ذکر شد. رجوع به آن نمائید تا بر اساس اوامر و احکام بهاءالله واقف شوید.

